

ضوابط شرعی در پژوهش‌های پزشکی

دکتر غلامرضا نورمحمدی

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

و

مدیر گروه پزشکی مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی

ضوابط شرعی در پژوهش‌های پزشکی

غلامرضا نورمحمدی*

چکیده

طبیعی است که دانش پزشکی در طول تاریخ کهن خویش برای پیشرفت نیازمند پژوهش‌های گسترده بر روی حیوانات و انسان بوده است. پزشکی جدید یا طب آلوپاتی نیز که شروع خود را از اوایل قرن شانزدهم در نظر می‌گیرد در ضمن ۵-۶ قرن گذشته توانسته است به عنوان تنها روش و متد گسترده در پزشکی مطرح بوده و بر تمامی ابعاد انسان تأثیرگذار باشد. پزشکی جدید نیز برای رشد خود وابسته به انجام پژوهش‌های گسترده می‌باشد و دسترسی بشر به انواع ابزار و فن‌آوری‌های جدید در قرن بیستم باعث گردید که روند پژوهش‌ها با سرعت به پیش رود.

آنچه که در ابتدا به ذهن می‌رسید نوید تحقق آرزوهای انسان در زمینه تکامل پزشکی و کاهش بیماری‌ها و افزایش و ارتقای بهداشت و بهبود سبک زندگی بود. اما اندک مدتی پس از دسترسی به ابزار و فن‌آوری‌ها و کاهش حالت هیجان‌زدگی مشخص گردید که تمامی این آرزوها تحقق‌پذیر نمی‌باشد. نکته منفی در دسترسی به فن‌آوری‌های پیشرفته، تحریک حس به ظاهر کنجکاو برخی پژوهشگران بود که بدون در نظر گرفتن حقوق و اصول انسانی و با شعار «تحقیق برای تحقیق» و «ارضای حس کنجکاو بشر» به تحقیقاتی روی آوردند که نه تنها برای افراد آزمودنی در تحقیق خود بلکه برای بسیاری از انسان‌ها زیان‌آور می‌بود. تاریخ موارد فراوانی از این طرح‌های به ظاهر تحقیقاتی را ثبت نموده است.

به همین جهت بود که موضوع اخلاق در پژوهش‌های پزشکی به صورت جدی مطرح گردید و باز بر اساس و بنای طب آلوپاتی، اصول یا کدهای اخلاق در پژوهش‌های پزشکی به سراسر جهان ارسال گردید. اما باید توجه داشت که موضوع اخلاق برگرفته از فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های هر جامعه است و قطعاً در جوامع دینی نقش دین باید در موضوع اخلاق بسیار جدی انگاشته شود. متأسفانه برخی بر این باور نیستند و اخلاق را به طور کلی موضوعی کاملاً بی‌نیاز از آموزه‌های دینی می‌پندارند و بعضی نیز که بر این باورند نگران مطرح شدن آموزه‌های دینی و بازخورد منفی جهانی آن هستند. نوشتار حاضر با ارایه یک طرح پیشنهادی ضمن بازتعریف اصول و حقوق بین‌المللی به تکمیل آن تحت عنوان اصول و حقوق دینی و شرعی پرداخته است.

کلید واژه‌ها: اخلاق، پژوهش، ضوابط، اصول، حقوق، فقه

* عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران و مدیر گروه پزشکی مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی

□ مقدمه

در دنیای امروز که دنیای علم و دانش لقب گرفته، ارزش و اهمیت دستاوردهای علمی بر کسی پوشیده نیست ولی زمانی که دانش آمیخته با اوهام و خرافات بود دین اسلام با ظهور خویش نه تنها به ستیز علم نرفت بلکه به زدودن خرافات همت گماشت و توانست با توسعه و ترویج علم، چراغ‌های پرفروغ دانش را برافروزد.

اسلام دین علم و دانش است و هیچ گاه علم را از دین جدا ندانسته بلکه همواره دین را عامل پیشرفت علم برشمرده است به همین جهت به دست آوردن علم و دانش را به مسلمانان سفارش می‌نماید. آیات متعدد قرآن و احادیث فراوان، گویای این موضوع می‌باشند که می‌توان آن را در اصول پنج‌گانه بیان نمود:

اصول اساسی اسلام برای دانش‌اندوزی

- ۱- فریضه دانستن دانش‌اندوزی بر تمامی مسلمانان ← ترغیب و تشویق مردم سرزمین‌های اسلامی به کسب علم و دانش
- ۲- انحصاری نبودن علم در نزد گروه خاص ← گسترش و توسعه علم و دانش بین تمامی اقشار مردم و امکانات دستیابی تمامی افراد به علم و دانش
- ۳- همیشگی بودن دانش‌اندوزی (عدم وابسته بودن یادگیری به زمان خاص) ← ایجاد فرهنگ دانش‌دوستی در تمام مدت عمر
- ۴- مانع نبودن مشکلات در کسب علم ← ایجاد انگیزه قوی برای تحمل سختی و رنج‌ها جهت یادگیری و گسترش دانش
- ۵- دانش‌اندوزی از تمام اشخاص (بدون توجه به شخصیت آموزنده) ← امکان دریافت و گسترش علوم مختلف در جوامع اسلامی.

نکته بسیار مهم آن است که دین اسلام همواره آدمی را به فراگیری دانشی تشویق می‌کند که تأمین‌کننده‌ی حیات طیبه انسان باشد. فرهنگ اصیل اسلامی همت خود را صرف قرار دادن دانش در خدمت انسان نموده و خواهان دانشی بوده که انسان را در مسیر تکامل خویش یاری نماید. پس دانش مطلوب اسلام، دانشی هدف‌مند و جهت‌دار می‌باشد که در مسیر پیشرفت مادی و معنوی زندگی بشر حرکت می‌کند.

طبیعی است که دانش پزشکی می‌تواند روند خود را در جهت تأمین این هدف تنظیم نماید، به همین جهت است که اندیشمندان بشری بر این نکته اتفاق نظر دارند که این دانش از سودمندترین علوم است، زیرا با جان و روان انسان در ارتباط می‌باشد و با تأمین سلامتی این دو بخش می‌تواند بهترین خدمت را به انسان بنماید. به همین جهت است که پزشکی از منزلت و شرافت ویژه‌ای در گستره حیات بشری برخوردار گردیده است و در روایات اسلامی نیز بر این موضوع تأکید شده و پزشکی را از شریف‌ترین علوم قلمداد نموده است:

رسول الله (ص): العلم علما؛ علم الادیان و علم الابدان^۱

پیامبر (ص) فرمود: دانش (از نظر اهمیت) دو گونه‌اند: دانش دین و دانش بدن.

امیر المومنین (ع): العلم ثلاثة؛ الفقه للادیان و الطب للابدان و النحو للسان^۲

امیر مومنان (ع) فرمود: دانش سه گونه‌اند: فقه برای (حفظ سلامت) دین، پزشکی برای (حفظ سلامت) بدن و دستور زبان (برای حفظ سلامت) گفتار.

الامام الباقر (ع): و اعلم انه لا علم كطلب السلامة^۳

امام باقر (ع) فرمود: و بدان هیچ دانشی (از نظر ارزش) همانند درخواست سلامت نیست.

□ پژوهش‌های پزشکی

پیشرفت‌های پزشکی در سالیان اخیر برتر از تصور ما بوده است. این پیشرفت‌ها بر اساس تحقیقاتی است که بخشی از آن با انجام آزمایش بر روی انسان و حیوان به دست آمده است. یکی از ویژگی‌های پژوهش پزشکی این است که الزاماً به منظور سود رسانیدن به افرادی که در آن شرکت می‌کنند نمی‌باشد. هدف‌های انجام آن، حصول دانش بیش‌تر درباره علت بیماری، عملکرد بدن در ارتباط با آن بیماری، توسعه و تکمیل درمان‌های جدید، مقایسه درمان‌های موجود با یک‌دیگر به منظور دستیابی به میزان تاثیر آن‌ها و در نهایت طرح‌های تحقیقاتی و قوانین حاکم بر آن‌ها از مواردی است که به تازگی مورد کنکاش قرار گرفته است. در دهه‌های اخیر که شاهد پیشرفت علم و تکنولوژی بر روی کره زمین بوده‌ایم، با موجی از تحقیقات به خصوص در زمینه پزشکی روبه‌رو گشته‌ایم که در سطح جهانی، پرسش‌های مهمی را به وجود آورده است. برخی از این حوزه‌های تحقیقاتی عبارتند از:

- ۱- تصرفات در هسته سلول‌ها و امکان تغییرات در خصوصیات ژنتیکی افراد.
 - ۲- گسترش بی‌سابقه توانایی انسان در دخل و تصرف در مسیر تولید مثل.
 - ۳- تحقیقات گسترده بر روی جنین و بافت‌های آن.
 - ۴- پژوهش بر روی بیماران غیر قابل علاج و کسانی که روزهای آخر حیات خودشان را می‌گذرانند. (اصطلاحاً بیماران ترمینال)
 - ۵- پژوهش بر روی گروه‌های خاص مانند محکومین به اعدام، دیوانگان، اطفال و...
 - ۶- پژوهش بر روی زنان باردار به منظور انجام و پی‌گیری روش‌های جدید در بارداری و پیش‌گیری از آن.
 - ۷- پژوهش بر روی یک داروی جدید برای جایگزینی داروی قدیمی.
 - ۸- پژوهش بر روی یک روش جراحی برای جایگزینی روش قبلی.
 - ۹- پژوهش‌هایی برای پیشنهاد یک روش جدید درمانی.
 - ۱۰- پژوهش به منظور ارزیابی روش درمانی از نظر برآورد مخارج و نتایج حاصل (Cost/Effectiveness)
- امروزه اعتقاد بر این است که دانش پزشکی چشمه جوشانی است که در هر لحظه به ره‌آورد تازه‌ای نیاز دارد تا به طراوت و حیات خود ادامه دهد و شاهد پیشرفت علم پزشکی، بهبود و توسعه شیوه‌های تشخیصی و درمانی باشیم. ارتقا و رشد این دانش، تامین سلامت انسان‌ها و ادامه حیات بشری نیز تنها در گرو پژوهش و تحقیقات وسیع می‌باشد، زیرا اکتفا به دانش‌های پیشین، مایه رکود پزشکی شده و در حقیقت نابودی آن را به دنبال خواهد داشت. پس تحقیق درباره انسان و پژوهش بر روی او، در پیشرفت پزشکی اهمیت دارد
- از سوی دیگر، چون پژوهشگران علوم پزشکی که در پژوهش‌های خود با موجودات زنده به ویژه انسان سر و کار دارند لازم است به مسایل اخلاقی (از دید بین‌المللی) و شرعی (از دید دینی) توجه داشته باشند و طرز برخورد و مراقبت از آزمودنی‌های انسانی و جانوری را بشناسند.
- ضرورت مباحث اخلاق پژوهشی از حدود ۵۰ سال پیش به طور جدی مطرح گردید، زیرا در آن زمان، وحشت ناشی از آزمایش‌های پزشکی که به وسیله پزشکان در اردوگاه‌های نازی انجام گرفت وجود قوانین اخلاقی در زمینه تحقیق را ضروری نمود. اما متأسفانه در چند سال گذشته، پیشرفت علوم و تکنولوژی به قدری سریع بوده است که هیچ‌گونه فرصتی را بوجود نیارود تا بتوان خط مشی کلی و اصول منطقی برای اخلاق در تحقیق را ارائه نمود تا متناسب پیشرفت‌های روز باشد.
- وضع قوانین بین‌المللی هلسنکی (۱۹۶۴) و نورنبرگ (۱۹۷۴) نیز کاملاً کارساز نبوده است. به همین دلیل در سال ۱۹۷۸، کمیته ملی آمریکا که حمایت از افراد و حیوانات را در تحقیقات بیولوژی و بیوتکنولوژی بر عهده دارد اصول سه‌گانه‌ای را پایه‌گذاری نمود:

۱- احترام به حاکمیت و استقلال فردی Respect for Autonomy

Beneficence	۲- انجام اقدامات مفید و سودمند
Non maleficence	۳- جلوگیری از آسیب‌رسانی
Justice	۴- عدالت

در سال ۱۹۸۰، اصل چهارم یعنی عدالت اضافه گردید و اصول چهارگانه فوق به عنوان اصول اخلاق بیومدیکال مورد توافق قرار گرفته و به اجرا درآمد.

گر چه اخلاق پژوهشی این گونه تعریف شده است:

«اخلاق پژوهشی بیان‌گر اصول و قواعدی است که باید در تمامی مراحل پژوهش رعایت شود تا حقوق افراد و آزمودنی‌ها تضمین گردد و حقی از پژوهشگران ضایع نشود».

اما مشکل اخلاق در پژوهش هنوز حل‌نشده باقی مانده است و به نظر می‌رسد به طور عمده این مشکل در موارد تحقیق بر روی انسان است، گر چه تحقیق بر روی سایر موجودات هم بی‌اشکال نیست، اما تحقیق بر روی انسان، که جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، سوالات گوناگونی به دنبال داشته است:

حد مجاز پژوهش بر روی انسان چیست؟

محدودیت پژوهش چیست؟

آیا بین تحقیق در مواردی که صرفاً علمی هستند و هیچ ارزش درمانی ندارند با تحقیقاتی که جنبه درمانی دارند تفاوتی وجود ندارد؟ و ده‌ها پرسش دیگر.

تمامی پرسش‌های فوق، نیاز به پاسخ روشنی دارد.

در غرب، دو دیدگاه کلان فلسفه اخلاق پزشکی وجود دارد که بر اساس آن به این گونه پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود:

۱- نتیجه‌گرایی (Consequentialist): بر اساس دیدگاه این گروه، ارزش هر عمل بر اساس نتیجه‌ی آن کار تعیین می‌شود. متأسفانه دیدگاه حاکم نیز همین نظر می‌باشد که با هر شیوه و روشی باید بهترین نتایج را به دست آورد. این دیدگاه منفعت‌گرایانه به آینده نظر دارد و در جهت یافتن راه‌حلهایی برای مشکلات است که تلاش می‌کند با ایجاد توازن بین سود و زیان، بیش‌ترین نتیجه را به دست آورد.

۲- وظیفه‌گرایی (Deontologist): این گروه به ارزش‌های خاصی به عنوان اصول معتقد هستند و بر احکام، قوانین و اصول تاکید دارند تا بتوان در تصمیم‌گیری آگاهانه اقدام نمود. وظیفه در واقع یک حالت اجباری برای فرد بدون توجه به نتایج است. اما باید پذیرفت با وجود این دو دیدگاه کلان، غالباً در غرب پیرامون اصول چهارگانه اخلاق پژوهش (به ویژه در تشخیص مصادیق آن) اختلاف نظر وجود دارد.

پزشکان و پژوهشگران درباره آن چه درست و نادرست است نگران بوده و اختلاف شدید دارند. در عصر جدید، ناسازگاری‌ها در پزشکی غالباً ناشی از اختلاف در اصول و دیدگاه‌های افراد است که می‌تواند آثار مهلکی در آینده در پی داشته باشد.

□ **ضرورت تبیین ضوابط شرعی در پژوهش‌های پزشکی**

تغییر و تحولات سریع و همه‌جانبه در دنیای کنونی به ویژه پیشرفت شگرف و چشم‌گیری که در علم پزشکی و تکنولوژی وابسته به آن پدید آمده است، بی‌گمان در عرصه فقه و فقهات، تلاشی نو را فرا می‌خواند، زیرا در سایه این پیشرفت‌های ضروری و اجتناب‌ناپذیر، فروع و موضوعات جدید پیش روی فقها خودنمایی می‌کند که تحلیل و بررسی دقیق و پاسخ‌گویی به آن‌ها بر اساس اصول کلی اسلام و متناسب با مقتضیات زمان و مکان ضروری بوده و نیازمند نگرش نو در کوشش فراوان می‌باشد.

یکی از موضوعاتی که به دلیل طرح سوالات فراوان از سوی جامعه پزشکی مسلمانان، پاسخ‌گویی به آن ضروری می‌نماید و طرح آن، راه‌گشا خواهد بود تبیین ضوابط شرعی در کنار موضوع اخلاق پژوهش مطرح شده از سوی غرب می‌باشد، زیرا

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که پیرامون موضوع فوق، اثر جامعی منتشر نگردیده است و هنوز جنبه شرعی موضوع پژوهش‌های پزشکی از تمام زوایا بررسی نگردیده و بررسی فقهی این موضوع از ابعاد و زوایای مختلف کاری شایسته است تا با ایجاد سازگاری بین واقعیت‌های موجود و احکام فقهی، امکان بهره‌برداری را برای پزشکان مسلمان فراهم سازد.

از سوی دیگر، با توجه به حساسیت موضوع تحقیقات که با سلامت انسان و در دید کلان با سلامت جامعه در ارتباط است، همگام با تحولات پزشکی، تاکید بر رعایت موازین شرعی و دینی در کنار موازین بین‌المللی می‌تواند نقش موثری در سالم‌سازی روند پژوهش‌های پزشکی در جوامع مسلمان داشته باشد.

امروزه اخلاق در پژوهش‌های پزشکی یکی از موضوعات جدی دنیا می‌باشد که با گسترش تخلفات فراوان در زمینه‌های مختلف تحقیقات پزشکی بر روی انسان و حیوان، دقت نظر و تدوین ضوابط اخلاقی در این زمینه را ضروری نمود تا از بروز انحرافات در تحقیقات پزشکی جلوگیری گردد. اما باید توجه داشت که تدوین ضوابط بین‌المللی اخلاق در پژوهش‌های پزشکی ما را بی‌نیاز نساخته است بلکه باید بر اساس اعتقادات و فرهنگ اسلامی خودمان نیز موضوع مورد توجه قرار گیرد.

«رن زول کیو» در کتاب اخلاق زیستی از دیدگاه آسیایی می‌گوید:

«اخلاق زیستی هر فرهنگی، خاص آن‌ها و طرز تفکر آن‌هاست به همین جهت هر تلاشی که انجام شود تا اخلاق زیستی مختص یک فرهنگ را به فرهنگ دیگری تحمیل کنیم عمل بی‌هوده و حتی مضر است»^۴.

ما نیز معتقدیم قوانینی که بر مبنای وحی نیست نمی‌تواند عام و مفید برای همه انسان‌ها باشد. اما چون دین ما، کامل بوده و قوانین آن از سوی خداوند است از اشتباه و خطا محفوظ بوده و می‌تواند برای همه انسان‌ها مورد استفاده قرار بگیرد.

□ طرح پیشنهادی

باید پذیرفت که اخلاق پژوهشی در هر جامعه بر اساس اصول و روابط انسانی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی آن جامعه بنا شده است پس به راحتی می‌توان تصور کرد که در هر جامعه اصول اخلاق پژوهشی با جامعه دیگر تفاوت دارد، زیرا اعتقادات و باورهای آنان با یکدیگر مغایرت دارند. بنابراین نباید انتظار داشت قواعد و قوانین اخلاق پژوهشی در تمام دنیا یکسان باشد.

با توجه به آموزه‌ها و تعالیم دین مبین اسلام می‌توان حقوق و اصول حاکم بر پژوهش‌های پزشکی را به سه بخش تقسیم نمود:

۱- معیارهای بین‌المللی: منظور از این معیارها، حقوق و اصولی است که به طور ضمنی مورد توافق تمام جوامع و همگان قرار گرفته است و باید در پژوهش رعایت شود. البته در بسیاری موارد، این عناوین اشتراک لفظی دارد و باید به خوبی دیدگاه دین مبین اسلام تبیین گردد.

۲- معیارهای دینی: این معیارها نیز همان حقوق و اصولی است که دین اسلام برای حرمت انسان‌ها مشخص نموده و باید در پژوهش مد نظر قرار گیرد. ضروری است که پژوهشگر پیش از شروع تحقیق، این حقوق و اصول را بشناسد و تحقیق خود را بر اساس ملاحظات معیارهای بین‌المللی و توافق با معیارهای دینی هماهنگ سازد.

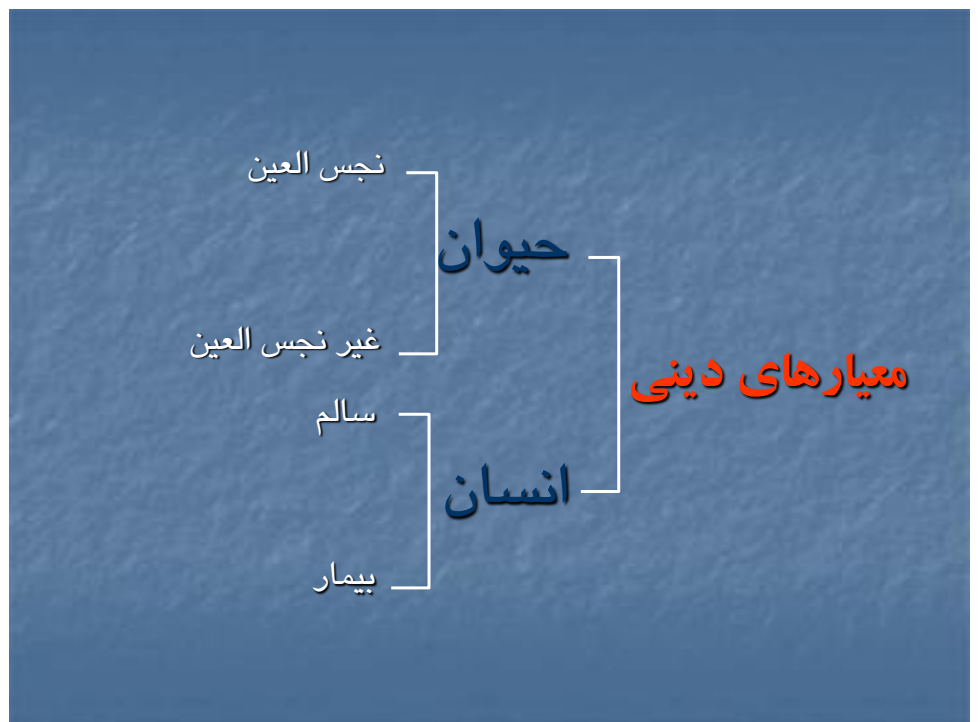
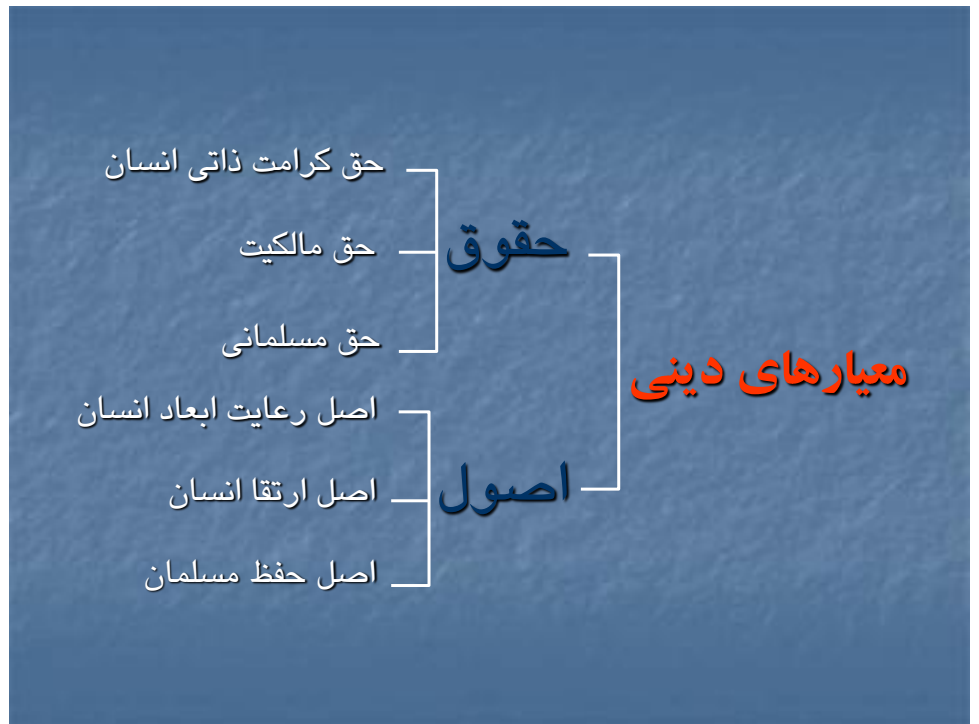
۳- معیارهای شرعی: احکام شرعی که برای فروع مطرح شده درباره شرکت آزمودنی در تحقیق و ماهیت تحقیق می‌توان در نظر گرفت که تکلیف پژوهشگر مسلمان و فرد شرکت‌کننده در تحقیق را از نظر شرعی روشن می‌گرداند.

حق حیات
حق سلامت
حق استقلال آزمودنی
حق اطلاع آزمودنی

**معیارهای بین المللی:
حقوق**

اصل حداقل خطر
اصل رضایت آگاهانه
اصل آزادی آزمودنی
اصل انصاف
اصل صداقت
اصل احترام گذاری
اصل مراقبت

**معیارهای بین المللی:
اصول**



معیارهای بین‌المللی

حقوق

۱- حق حیات: هر انسانی حق دارد که زنده باشد و دیگران وظیفه دارند زندگی او را محترم بشمارند و آن را به خطر نیندازند. نخستین حقی که برای هر فرد وجود دارد حق حیات است و به طور طبیعی این حق بر سایر حقوق انسانی تقدم دارد، زیرا حیات انسان، بزرگ‌ترین موهبت الهی است که شکرگزاری از این نعمت موجب احساس مسوولیت دوگانه برای هر فرد می‌گردد:

الف) خود شخص موظف است حیات خویش را حفظ کند و از هر اقدامی که حیات وی را به خطر می‌اندازد خودداری ورزد:

لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّبُهُ نَارًا^۵

خودتان را نکشید، زیرا خداوند همواره نسبت به شما مهربان است و هر کس این کار را از روی تجاوزگری و ستم انجام دهد به زودی او را در آتش جهنم خواهیم افکند.

ب) به حیات انسان‌های دیگر نیز تجاوز نکند و حیات آنان را تهدید ننماید:

مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا^٦

به این سبب (کشتن هابیل توسط قابیل) بر بنی‌اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس یک انسانی را بکشد بدون این که او کسی را کشته باشد و یا فساد در زمین کرده باشد مثل این است که همه‌ی مردم را کشته است و هر کس یک انسان را زنده گرداند (و از مرگ نجات دهد) مانند این است که همه‌ی انسان‌ها را زنده گردانده است.

۲- حق سلامت: هر فرد حق دارد که از لحاظ جسمی، روانی، روحی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و... از صحت و سلامت برخوردار باشد و آن را حفظ نماید. همان گونه که خود فرد حق آسیب‌رسانی به سلامت خویش را ندارد با اولویت و به صورت قطعی می‌توان گفت: دیگران هم حق ندارند کاری انجام دهند که باعث آسیب‌رسانی به یکی از ابعاد سلامت فرد گردد.

و لَا تَلْفُوا بِأَنفُسِكُمْ إِلَىٰ الْتَهْلُكَةِ^٧

با دستن خویش، خود را به هلاکت و نابودی نیندازید.

نکته مهم در تحقیقات پزشکی، توجه به این موضوع است که پژوهشگر باید حافظ جان و سلامت فردی باشد که تحقیق بر روی او انجام می‌گیرد و از هر عملی که سلامت آزمودنی را تهدید می‌کند اجتناب ورزد.

۳- حق استقلال آزمودنی: فرد آزمودنی حق دارد درباره پژوهش و تجربیاتی که بر روی سلامتی وی تاثیر می‌گذارد با دیگران مشورت نماید و سپس تصمیم بگیرد در پژوهش شرکت کند یا از شرکت در پژوهش خودداری ورزد.

این حق برای آزمودنی محفوظ است که هرگاه مایل به همکاری در پروژه تحقیقاتی نبود مجاز به ترک آن باشد بدون این که مورد تهدید قرار گیرد. زمانی که آزمودنی به علت دارا بودن نظرات و عقاید مخصوص به خود، خواستار خروج از پژوهش گردید قانون حق را به آزمودنی دهد که بدون پرداخت غرامت از پژوهش خارج شود و پژوهشگر نیز باید به این موضوع احترام بگذارد. هنگامی که در اصل پذیرش دین، اکراه نفی گردیده است (لا اکراه فی الدین) با اولویت می‌توان گفت که اکراه در سایر موارد نیز نفی گردیده است. پس با صراحت باید اعلام نمود که اسلام با محکوم کردن حالت اجبار و اکراه، حق برخورداری از آزادی و انتخاب را برای هر فرد تایید نموده است و هر کس این حق را دارد که به صورت مستقل درباره خودش تصمیم بگیرد. البته قطعی است که منظور از هر کس، فرد عاقلی است که قدرت فهم و درک مصلحت و مفسده را دارد.

۴- حق اطلاع آزمودنی: آزمودنی حق دارد که اطلاعات کامل از ماهیت، منظور، مدت، روش‌ها، ابزارها، ناراحتی‌ها، خطرات و اثرات احتمالی پژوهش را کسب کند تا قادر باشد ضمن درک و شناخت واقعی، برای شرکت در پژوهش، تصمیم‌گیری نماید.

در معرفی پژوهش، راه منطقی این است که سود و زیان پژوهش به‌طور کامل و دقیق بیان شود و آزمودنی‌ها از خطرات احتمالی آگاه گردند. هر گونه کوتاهی در دادن اطلاعات کامل می‌تواند به عنوان نوعی فریب دادن محسوب گردد. با اندک درنگ و تأملی در ابواب مختلف فقه می‌توان دریافت که هر کجا، پای غبن یا تدلیس (فریب دادن) دیگری در کار باشد شرع حکم به بطلان آن نموده است:

امام صادق (ع) می‌فرماید: **غبن المومن حرام^٨**

فریب دادن مومن حرام است.

اصول

۱- اصل حداقل خطر: برآیند هر نوع پژوهشی که انجام می‌گیرد باید به نفع آزمودنی بوده و حداقل صدمه و آسیب‌رسانی را به تمام ابعاد سلامتی وی به همراه داشته باشد.

خطری که در ضمن پژوهش در انتظار آزمودنی است نباید از خطری که افراد در زندگی روزمره خود با آن روبه‌رو می‌شوند بیش‌تر باشد.

در اسلام با بیان قاعده لاضرر و لاضرار به این اصل اشاره دارد. اما این که از لحاظ شرعی، چه میزان فشار و آسیب در یک طرح پژوهشی قابل قبول است همیشه روشن نیست و نیاز به بررسی بیش‌تری دارد.

۲- اصل رضایت آگاهانه: پژوهشگر ضمن ارائه اطلاعات لازم در مورد اقدامات، به آزمودنی اجازه می‌دهد تا از قدرت قضاوت خود استفاده نماید و در جهت موافقت با حضور در پژوهش تصمیم گیرد و رضایت خود را اعلام نماید.

از نظر اسلام، رضایت فرد و اجازه وی برای آزمایش‌های تحقیقاتی شرط است هر چند آن دارو یا روش برای او کاملاً بی‌ضرر باشد. در این حالت فرقی بین مسلمان و کافر، اسیر و محکوم به اعدام و ... نیست. البته اذن و رضایت آزمودنی به اذن شرع برمی‌گردد که به انسان آزادی مطلق در تصرف جسم و حیانتش داده نشده است و باید "مأذون به" نیز مشروع باشد یعنی موضوع طرح تحقیقاتی از مواردی باشد که از نظر دین اسلام دارای حکم حرمت نباشد و گر نه اذن فرد صحیح نمی‌باشد.

از سوی دیگر، اگر فرد به یک عمل غیر مشروع اذن دهد، پژوهشگر نباید آن را بپذیرد و تا زمانی که ضرورت مباحی در کار نباشد محقق حق ندارد به خواست آزمودنی توجه نماید. در صورت اقدام نیز مسوول و ضامن خواهد بود.

۳- اصل حفظ اسرار: اطلاعاتی که ممکن است در ضمن پژوهش از آزمودنی به دست آید باید محرمانه تلقی شود و جز با رضایت وی در اختیار دیگری قرار نگیرد. پژوهشگر باید شرکت‌کنندگان را از این که نتایج پژوهش محرمانه خواهد بود مطمئن سازد.

یکی از اصول تحقیق، رازپوشی و رازداری است که باعث می‌شود آزمودنی واقعیت را در اختیار پژوهشگر قرار دهد و در نتیجه، پژوهش از ضریب اطمینان بالایی برخوردار باشد.

امام رضا(ع) می‌فرماید: مومن، مومن نمی‌باشد تا سه ویژگی داشته باشد؛ روشی از پروردگارش، روشی از پیامبرش و روشی از امامش، روش پروردگارش رازداری است خداوند در آیه ۲۷ سوره جن فرموده است: دانای غیب است و به غیب خود آگاه نسازد مگر فرستاده‌ای را که بپسندد.^۹

امام کاظم(ع) می‌فرماید: سه گروه در سایه عرش خداوند می‌باشند. روزی که جز سایه خداوند سایه‌ای نیست. [یکی از این سه گروه] کسی است که راز برادر مسلمانش را پنهان دارد.^{۱۰}

امام صادق(ع) فرمود: مردم به دو ویژگی ملزم شدند و هر دو را تباه کردند تا از آن‌ها بهره‌ای نبردند: شکیبایی و رازداری.^{۱۱}

راز من و راز تو از ما نشود بیرون

امام رضا(ع) در جلسه مأمون درباره رازداری اشعاری فرمودند که معنای آن چنین است:

از یاد برم راز تا فاش نسازم

ترسم که روان گردد در خاطر من یادش

باشد که بسا رازی در دل جولان گیرد

و آن‌گاه دل اندازد آن را به زبان خوانی

و آن‌گاه توان نبود و حبس در آن آنی

امیرمومنان(ع) می‌فرماید: **حق کل سران یمان^{۱۲}**

حق هر رازی آن است که محفوظ و در امان ماند.

در کلام دیگری نیز می‌فرماید: نیکی دنیا و آخرت در رازداری گرد آمده است.^{۱۳}

از سوی دیگر راز فرد به عنوان امانتی است که در نزد شخص پژوهشگر سپرده شده است و خداوند می‌فرماید:

الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ^{۱۴}

[بی‌تردید مومنان رستگار شدند] آنان که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند.

۴- اصل آزادی آزمودنی: افراد برای وارد شدن در هر تحقیق باید داوطلبانه اقدام کرده باشند و هر زمان که خواستند اجازه داشته باشند بدون پرداخت هیچ غرامتی از ادامه شرکت در پژوهش خودداری کنند.

اسلام اجازه نمی‌دهد که فردی با تهدید یا ترغیب وارد پژوهش گردد بلکه فرد باید با اختیار خود و ارزیابی شخصی آزادانه امکان حضور در پژوهش را داشته باشد.

۵- اصل انصاف: پژوهشگر باید بدون اعمال نفوذ و با رعایت عدالت و انصاف با آزمودنی برخورد کند و در صورتی که شرکت شخص در تحقیق یا ادامه آن، پیامدهای ناخوشایندی داشته باشد آن پیامدها را آشکار و اصلاح نماید.

اصل عدالت و انصاف یک اصل زیربنایی مورد تاکید اسلام است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا^{۱۵}

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یک‌دیگر را بشناسید.

امیر المومنین (ع) فانهن صنفان اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق^{۱۶}

مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو هستند و دسته‌ای دیگر در آفرینش با تو برابرند.

بنابر این پژوهشگر باید به عنوان فرد انسانی در تمامی مراحل تحقیق، انصاف را مراعات نموده و یک سویه و به نفع طرح خویش اقدام ننماید.

۶- اصل صداقت: پژوهشگر باید از واقعیت‌گویی، درستی و صداقت در پژوهش برخوردار باشد و با حسن نیت و اعتماد به واقعیت بر تحقیق نظارت نماید.

صداقت و درست‌کاری باید در تمام مراحل تحقیق از آغاز طرح پژوهشی تا پایان آن رعایت شود و از فریب آزمودنی و دست‌کاری اطلاعات تحقیق پرهیز نماید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ^{۱۷}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با راستگويان باشید.

امیر المومنین (ع) : اصدقوا الحديث^{۱۸}

در کلام و سخن گفتن صداقت را رعایت نمایید.

۷- اصل احترام: پژوهشگر باید به قوانین و مقررات رسمی کشور احترام گذارد و برای باورهای دینی و فرهنگی آزمودنی احترام قایل شود و به کلیه حقوق افراد به دیده‌ی احترام بنگرد. به عبارت دیگر پژوهشگر نباید به سلیقه خود عمل نماید و نظر و عقاید خویش را ملاک قرار دهد بلکه به مقررات شرعی و دینی احترام بگذارد و از آن‌ها تجاوز ننماید.

۸- اصل مراقبت: پژوهشگر باید به آزمودنی اطمینان دهد که مسوولیت وی را بر عهده گرفته است و در پژوهش، حمایت لازم و مراقبت مورد نیاز آزمودنی را انجام خواهد داد.

دین اسلام نیز، فرد محقق را حافظ جان و سلامت فرد آزمودنی می‌داند که نه تنها باید در برابر قانون زمینی و حقوقی کشور خود مسوول باشد بلکه در برابر خداوند خالق مسوولیت واقعی را برعهده داشته باشد.

امام کاظم (ع) می‌فرماید: **اوجب العمل عليك ما انت مسوول عن العمل به^{۱۹}**

ضروری‌ترین کار بر تو آن کاری است که در برابرش مسوول هستی.

معیارهای دینی

حقوق

۱- حق کرامت ذاتی انسان: هر انسانی دارای کرامت ذاتی است که دیگران وظیفه دارند از هر گونه عملی که به کرامت انسانی، خدشه وارد می‌کند اجتناب ورزند.

لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَي كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا^{۲۰}

به یقین ما فرزندان آدم را بزرگواری و کرامت دادیم و آنان را در خشکی و دریا روان نمودیم و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم و آنان را به بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.

از نظر دین اسلام همه‌ی انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند که بر خود آنان لازم است که کرامت و عزت نفس خویش را حفظ نمایند و دیگران نیز باید این حق را رعایت کنند و به کرامت افراد لطمه‌ای وارد نسازند. به همین دلیل، نگاه به انسان باید فراتر از یک حیوان بیولوژیک محض باشد، زیرا جایگاه انسان در نظام آفرینش، جایگاه ممتازی است.

۲- حق مالکیت خدایی: در نگرش دینی، حیات هر انسانی از سوی خداوند به او عطا شده است و خداوند مالک حیات هر فرد و اعضا و جوارح وی می‌باشد و فرد فقط امانت‌دار آن است.

در مکتب وحی و دین مبین اسلام، انسان مالک حیات خویش نیست، او نمی‌تواند بنا به میل خود، حیات را از خود سلب کند، زیرا حیات امانتی است که در اختیار انسان قرار گرفته است. وقتی خود انسان مالک حیات خویش نیست دیگران نیز قطعاً مالک آن نیستند.

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^{۲۱}

آن خدایی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکو‌کارتر هستید.

پس از نظر اسلام، حیات و اعضای وی متعلق به خودش نیست که داوطلبانه بخواهد آن را از خود سلب نماید.

۳- حق مسلمانی: در مقام تراحم بین حیات و آسیب فرد مسلمان با کافر، اولویت حفظ حیات مسلمان و پرهیز از آسیب به وی است.

اصول

۱- اصل رعایت ابعاد انسانی: پژوهشگر باید تمامی ابعاد جسمی، روحی و معنوی فرد را در نظر بگیرد و از هر گونه خدشه‌ای به انسانیت و کرامت انسانی پرهیز نماید.

بنابراین اصل، مطرح کردن طرح‌های پژوهشی پیوند ژنتیکی بین انسان و حیوانات گوناگون و حتی پیوند ژنتیکی انسان با گیاهان نمی‌تواند مورد تایید دین اسلام باشد. این تحقیقات فقط در صدد بیان توانایی محققان است و صرفاً برای ارضای حس کنجکاوی انسان می‌باشد که نمی‌تواند برای کمال انسان و ارتقا سطح زندگی آنان و ایجاد حیات طیبه وی تاثیر داشته باشد.

۲- اصل ارتقا انسانی: پژوهشگر باید تمام تلاش خویش را در طراحی و اجرا تحقیق برای حفظ نسل انسان و ارتقای بهره‌وری از حیات انسان و افزایش کارایی اعضای وی صرف کند.

از نظر اسلام، انسان توانایی تسخیر و به دست گرفتن همه‌ی پدیده‌ها در زمین و آسمان را دارد:

وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَآتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَذَلُولٌ كَفَّارٌ^{۲۲}

و کشتی‌ها را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان گردید و رودها را نیز برای شما رام گردانید. خورشید و ماه را که [با برنامه‌ی حساب شده] پیوسته رواند برای شما رام گردانید. شب و روز را نیز به تسخیر شما درآورد و از هر آن چه که از او خواستید به شما داد اگر نعمت‌های خداوند را بشمارید نمی‌توانید آن‌ها را شمارش کنید قطعاً انسان بسیار ستم‌گر و بسیار ناسپاس است.

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً^{۲۳}

آیا نمی‌نگرید که خداوند آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است برای شما رام گردانید و نعمت‌هایش را آشکار و پنهانی بر شما گسترده کرد؟!

اما نکته قابل توجه آن است که دامنه‌ی توانایی انسان باید محدود به حرکت وی به سوی کمال و ارتقای انسانیت باشد و از توانایی خویش در جهت مثبت بهره‌وری نماید. پس هرگونه استفاده از توانایی خدادادی به انسان برای حرکت تنزلی و سقوط مقام و ارزش انسان مورد تایید اسلام نمی‌باشد.

باید به یاد داشت که خداوند بزرگ‌ترین ظرفیت علمی میان آفریدگان را به انسان داده است تا انسان بتواند با استفاده‌ی شایسته از این سرمایه خدادادی در مسیر رشد خویش در جهان هستی حرکت نماید.

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۲۴}

و خداوند تمام نام‌ها (کشف حقایق هستی) را به انسان آموخت سپس آنان را به فرشتگان ارایه کرد و گفت: مرا از آن نام‌ها خبر دهید اگر [در ادعای خود] راستگو هستید.

۳- اصل حفظ مسلمانان: پژوهشگر در صورت وجود آزمودنی غیر مسلمان باید از آنان جهت شرکت در طرح تحقیقاتی استفاده نماید.

گرچه در نگاه اولیه تمامی انسان‌ها فرزندان حضرت آدم و حوا هستند و در ابتدای زندگی خویش از تساوی ابتدایی بهره‌مند می‌باشند و از کرامت ذاتی عنوان «انسان» برخوردارند، اما موضوع شرافت انسانی نیز مطرح می‌باشد که در مقام تزاحم که بین حیات فرد مسلمان با کافر وجود داشته باشد حفظ حیات فرد مسلمان اولویت دارد. این اولویت در مباحث مختلف فقهی مانند «قصاص»، «دیه»، «ارث» و... به خوبی نمایان است که تفاوت بین مسلمان و کافر آشکار می‌باشد.

برای شناخت مفهوم «انسان» و ویژگی‌های آن که اساس پزشکی را تشکیل می‌دهد لازم است دیدگاه دی اسلام را درباره انسان به اختصار بیان نمود:

□ مفهوم انسان

یکی از موضوعاتی که همواره در تاریخ بشر مطرح بوده موضوع شناخت انسان و پی بردن به چگونگی وجود و ابعاد تشکیل‌دهنده‌ی اوست. بشر از دیرباز علاقه‌مند بوده است که خود را بشناسد. در راه بازگویی این که انسان کیست یا چیست؟ گروه‌ها و افراد زیادی در دوران معاصر به تحقیق و تفحص پرداخته‌اند و هر یک نیز نظریه‌هایی بیان داشته‌اند. پزشکی با وجود تمامی پیشرفت‌های علمی که داشته، ولی شناخت انسان برای این رشته هنوز به عنوان یک مساله مبهم و مهم تلقی می‌شود. در عصر جدید تلاش وسیع برای شناخت انسان منجر به ارایه فرضیه‌ها و نظریات متعددی شده است که در بسیاری موارد با یکدیگر در تعارض می‌باشند.

عمده‌ترین نارسایی پزشکی در دوران جدید خویش عدم شناخت واقعی انسان است اکنون در آغاز قرن بیست و یکم نیز انسان به عنوان معمای حل نشده برای جهان غرب مطرح می‌باشد که متاسفانه به شیوه آزمون و خطا به دنبال کشف دنیای درون و برون انسان هستند. تاوان این شیوه و خطا در نگرش صحیح به انسان در سراسر بخش‌های علوم پزشکی آشکار است. اما باید اعتراف نمود، به دلیل آن که انسان موجودی بسیار پیچیده و ظریف می‌باشد، هر یک از نظریه‌های بشری از زاویه‌ی خاص خویش به این موجود نگرسته و هم چنان ناگفته‌های فراوانی باقی است.

بنابراین، اگر بخواهیم انسان و تمامی ابعاد وی و مباحث مربوط به او را بشناسیم تنها باید از خالق او یاری بگیریم، زیرا هر پدیده در جهان دارای تعریفی است که معمولاً اصول حاکم بر تعاریف در علوم پزشکی دنیای امروز از فرهنگ غرب برخاسته است که فهم مبنا و خاستگاه آن‌ها در ارایه تعاریف بسیار مهم است. از آن جا که پزشکی با تعریف انسان و ویژگی‌های او ارتباط مستقیم دارد و پایه‌های آن بر اساس تعریف از انسان استوار است؛ تعریف انسان به عنوان یکی از موجودات جهان بستگی به نوع جهان‌بینی و دستگاه فکری دارد. در علوم پزشکی رایج امروز دنیا تعریف مشخصی از انسان وجود ندارد و علوم انسانی آنان نیز بر مبنای جهان‌بینی مادی انسان را تعریف می‌کنند در حالی که پیش‌فرض ما و اصول موضوعی حاکم بر نظام تعاریف در اسلام با علوم مادی روز دنیا تفاوت مبنایی دارد. بدون شک مطالعه درباره‌ی انسان و درک ویژگی‌ها و خصوصیات و عناصر وجودی او هدفی است که همه‌ی مکتب‌های فکری و فلسفی آن را دنبال می‌کنند و نتیجه هر چه باشد اساس کار و زیربنای موضوعات پزشکی خواهد بود.

بنابراین ضروری می‌نماید که تصویری صحیح از انسان و عناصر وجودی او، ارزش والای آدمی و جایگاه رفیع او در دین مبین اسلام ارایه شود. سه نکته در مورد جایگاه انسان قابل توجه می‌باشد که اثرات کاربری برای نیروهای پزشکی به همراه دارد:

۱- شناخت ویژگی‌های انسانی و وجه تمایز او از سایر موجودات: توجه به ارزش و شایستگی انسان و ویژگی‌های او می‌تواند موثر باشد. اگر همیشه چهار اصل کلی ذیل را که اسلام درباره‌ی انسان و زندگی او در نظر داشته است در تمامی امور پزشکی

مد نظر داشته باشیم هنگام تصمیم‌گیری برای هر موجودی انسانی حتی فرد دیوانه، راحت‌تر می‌توانیم تصمیم صحیح اتخاذ کنیم:

الف. اعتقاد به هدفمند بودن زندگی همه انسان‌ها

ب. اعتقاد به ارزشمند بودن زندگی هر فرد

ج. اعتقاد به وجود تفاوت‌های فردی

د. اعتقاد به توانایی و آمادگی هر فرد برای انجام کارهای متناسب با توانایی‌های خود

۲- کرامت انسانی: از دیدگاه قرآن و روایات، انسان از کرامت ذاتی و شرافت اکتسابی در نظام هستی برخوردار می‌باشد. می‌توان گفت با بررسی دقیق در منابع دینی این کرامت را دارای دو بخش دانست:

الف. کرامت در ساختار فردی: این بخش از کرامت انسان نیز دارای جنبه‌های گوناگون می‌باشد که به برخی اشاره می‌گردد:

- خداوند آفرینش انسان را به صورت ویژه‌ای قرار داده و انسان موجودی تشکیل شده از نیروهای مادی و معنوی است که باید در لابه‌لای این نیروها، پرورش پیدا کند.

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَفَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ^{۲۵}

و هنگامی که او را کامل و نیکو گردانم و از روح خود در او دمیدم برای او سجده‌کنان بیفتید.

این طراحی ساختار انسان باید در تمامی امور پزشکی مد نظر قرار گیرد و از هر گونه یک‌سونگری نسبت به انسان پرهیز شود. - خداوند بزرگ‌ترین ظرفیت علمی میان آفریدگان را به انسان داده است تا وی بتواند با استفاده‌ی شایسته از این سرمایه‌ی خدادادی در مسیر رشد خویش و جهان هستی حرکت نماید. بنابراین اصل نیز تمامی تحقیقات پزشکی باید در جهت رشد انسانی گام بردارد.

ب. کرامت در ساختار جهانی: یکی از نشانه‌های کرامت انسان، قدرت فرمانروایی او بر موجودات دیگر می‌باشد. خداوند ساختار جهان به گونه‌ای طراحی نموده است که همه چیز در اختیار انسان باشد تا او عالی‌ترین موجود در صحنه‌ی پهناور هستی بوده و امکان بهره‌گیری مشروع از فضای هستی را در اختیار گیرد و بتواند با استفاده از این نعمت در مسیر تکامل گام بردارد و به هدف نهایی از خلقت برسد.

بنابراین اصل نیز باید جهت‌گیری در تمامی جنبه‌های پزشکی به خصوص پژوهش‌های انسانی به سوی افزایش این کرامت باشد و از ورود در نوآوری‌هایی که به این جنبه‌ی انسان آسیب می‌رساند مانند پیوند ژنتیکی انسان با برخی حیوانات خودداری نمود.

۳- حفظ حیات انسانی: حیات انسان در اسلام از ارزش والای برخوردار می‌باشد قرآن، کشتن یک انسان را به منزله‌ی نابودی همه انسان‌ها دانسته، همان‌گونه که نجات یک انسان را نیز مساوی با نجات تمامی بشر به شمار آورده است.

دین اسلام برای تحقیق «اصل حفظ حیات انسانی» راه‌کارهای مناسبی اندیشیده است که به برخی اشاره می‌گردد:

الف. با وضع قوانین مناسب مانند قصاص و دیه سعی کرده است از بروز دگرگشی پیش‌گیری نماید. جالب آن که قرآن، قانون قصاص را موجب حفظ حیات اجتماعی می‌داند:

و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^{۲۶}

ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص مایه‌ی حیات [زندگی] است؛ باشد که شما [از ریختن خون مردم] پرهیزید.

ب. اسلام با بیان این حقیقت که جسم و روح انسان ملک خداوند می‌باشد (پذیرش اصل مالکیت خدایی) و خود انسان بر بدن خویش مالکیت ندارد، حق هر گونه سوء تصرف در بدن را از همه کس (خود فرد و سایر افراد) سلب نموده است.

نکته مهم این که اگر فرد هیچ حق تصمیم‌گیری و اقدام ضررآمیز در بدن خود را ندارد؛ قطعاً نیروهای پزشکی که با جسم و روان افراد سر و کار دارند، نباید در امری که منجر به ضرر فوری یا تدریجی در فرد می‌شود، شرکت نمایند، بلکه باید همیشه حافظ سلامتی و نگاهبان حیات انسانی باشند.

به طور کلی می‌توان اعلام نمود با شناخت صحیح انسان حدود و حریم پژوهش، آموزش و درمان انسان مشخص خواهد گردید و تامین سلامت جامعه و ادامه‌ی حیات طیبه‌ی انسانی در گرو این شناخت می‌باشد از سوی دیگر درک تمامیت انسان به عنوان یک موجود زیستی، روانی، اجتماعی و دارای ابعاد گسترده‌ی دیگر از مهم‌ترین نکات مطرح در دین اسلام می‌باشد. این نگرش برتر از مدل تفکر زیست پزشکی ریزبینانه است که در قرون اخیر بر دانش پزشکی جهان مسلط بوده و منجر به مشکلات فراوانی برای انسان معاصر شده است.

می‌توان ادعا نمود که در صورت معرفی درست و جامع و فراگیر انسان، راه بهتری برای درک مسایل موجود پیرامون وی گشوده خواهد شد و گامی در جهت پیشرفت صحیح دانش پزشکی خواهد بود.

معیارهای فقهی

از نظر فقهی، تحقیقات پزشکی، در ابتدا و «فی نفسه» امری مباح است. اما با اعلام مباح بودن آن، آیا هر گونه روشی را می‌توان برگزید یا بر هر موضوعی می‌توان تحقیق نمود و چگونه باید تحقیق کرد. در نگاه اولیه می‌توان، تحقیقات پزشکی را دارای احکام فقهی گوناگون دانست:

۱- وجوب: تحقیق بر روی موضوعات ضروری و معضلات بشری با رعایت تمام ضوابط شرعی مانند تحقیق بر روی بیماری‌های صعب‌العلاج مانند ایدز و یافتن راه‌حل درمانی برای آن‌ها.

۲- مستحب: تحقیق بر روی موضوعات در جهت ارتقا بهداشت و افزایش کیفیت سطح درمان مانند یافتن داروهای جدید.

۳- مباح: تحقیق صرف برای کشف یک حقیقت علمی محض بدون وجود کاربرد عملی.

۴- مکروه: اجرای تحقیق بر روی افرادی که به دلایل متعدد مجبور به شرکت در آن شده‌اند مانند شرکت فقرا در تحقیق برای دریافت دستمزد.

۵- حرام: به طور کلی هر تحقیقی که موضوع آن خلاف شرع باشد یا ضوابط شرعی در تحقیق رعایت نشود.

اکنون تحقیق را در سه بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم:

□ ماهیت پژوهش

در تحقیق دو بخش وجود دارد: ۱- موضوع تحقیق ۲- روش مناسب برای بررسی موضوع بر این اساس در موضوع تحقیق، برای پیروی از شرع مقدس اسلام باید بتوان نظام موضوعات را بر اساس مطلوب‌های شارع مقدس به وجود آورد، زیرا موضوعات و تعاریف آن‌ها در نظام فکری مادی به هیچ وجه نمی‌تواند به همان گونه و بدون هیچ گونه تغییری در نظام موضوعات اندیشه اسلامی پذیرفته شوند.

باید پذیرفت که جایگاه یک موضوع در دستگاه مادی باید تغییر یابد و تعریف جدیدی متناسب با نظام موضوعات اندیشه اسلامی را پیدا نماید به این معنا که هویت تعریف آن موضوع دگرگون گشته و جایگاه و کاربرد دیگری متناسب با اندیشه و شرع مقدس اسلام پیدا نماید. ضرورت این امر می‌تواند در موضوع اخلاق پزشکی بیش‌تر احساس گردد. اما در صورتی که به تناسب و ارتباطات یک موضوع در میان سایر موضوعات دستگاه مادی توجه نشود چه بسا پذیرش آن موضوع با همان خصوصیات، زمینه نفوذ فرهنگ مادی را بر علیه مقاصد الهی فراهم آورد. به همین دلیل توانایی و قدرت دفاع از اندیشه و شرع مقدس اسلام در برابر فرهنگ مادی بشری در غرب و پزشکی به شناخت دقیق موضوعات، ارتباطات و تناسبات آن‌ها در دو

دستگاه مادی و الهی بستگی دارد. به صورتی که بتوان موضوع دستگاه مادی را در نظام موضوعات اندیشه و شرع اسلام تبیین نموده و با توجه به ساختار اندیشه اسلامی، جایگاه و تناسب جدیدی را برای آن مشخص نمود.

تنها در این صورت است که می‌توان گفت: اندیشه اسلامی قدرت دفاع در برابر فرهنگ خودساخته بشری در پزشکی را یافته است و می‌تواند تعریفی جدید متناسب با جهت‌گیری‌های اندیشه اسلامی را ارائه نماید. در این صورت هر چند موضوعات و تعاریف آن‌ها در دستگاه الهی ممکن است مشابه موضوعات و تعاریف در دستگاه مادی باشند اما باید توجه داشت که آن‌ها، مفاهیم، کارآیی و کاربردی جدیدی می‌یابند و بر همین اساس از حالت اشتراک خارج می‌شوند.

بدیهی است که اگر علم پزشکی پیش‌فرض‌های خودش را از علومی اخذ کند که به جنبه‌های غیرمادی انسان توجه دارد جهت‌گیری این علم با جهت‌گیری علومی که پیش‌فرض‌هایش و مبانی آن صرفاً به تجربه متکی است متفاوت خواهد بود. انتخاب و گزینه اصول مفروض تا حدود زیادی به نظام فکری و جهان‌بینی پژوهشگران وابسته است یعنی نحوه نگرش محقق در انتخاب مبانی و معادلات اثبات‌شده علوم دیگر به عنوان پیش‌فرض تحقیق نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

بر این اساس می‌توان گفت: در دین مبین اسلام، برخی پژوهش‌ها قابلیت اجرا ندارد مانند:

۱- موضوع پژوهش از مواد ممنوع شرعی باشد مانند بررسی اثرات شراب بر گشاد شدن حالب، یا تحقیقی که به اختلاط انساب منجر شود.

به طور کلی در اسلام به مجرد این که توانایی انجام پژوهشی وجود دارد انجام آن‌ها مجاز شمرده نمی‌شود بلکه باید مخالف اصول بدیهی شرعی نباشد. به همین جهت تمام مراکز تحقیقات علمی باید در سرزمین‌های اسلامی تابع ضوابط شرعی باشند.

۲- تحقیق در بر دارنده خطر جانی یا ضرر روحی و جسمی نباشد:

وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ^{۲۷}

با دستان خویش، خودتان را به هلاکت و نابودی نیندازید.

رسول الله: لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام^{۲۸}

هیچ گونه زیان‌بینی و زیان‌رسانی در اسلام پذیرفته نیست.

پیامبر(ص) بر اساس این عبارت کوتاه و جامع یک اصل کلی را پایه‌گذاری نمود که فقها بر اساس آن قاعده فقهی «لا ضرر و لا ضرار» را تأسیس نمودند. بنابر این نه خود فرد این حق را دارد که به خود ضرر برساند یا مقدمات آن را فراهم آورد و نه سایر افراد می‌توانند به فرد زبانی برسانند یا زمینه‌ی آسیب به وی را فراهم آورند.

اما سایر اصول معتبر در ماهیت پژوهش که پذیرش بین‌المللی دارند عبارتند از:

۱- طرح تحقیقاتی باید واضح باشد و تمامی مراحل آن به خوبی مشخص گردیده باشد.

۲- طرح با اصول علمی معتبر پزشکی منافاتی نداشته باشد.

۳- فواید پیش‌بینی شده طرح بر عوارض احتمالی آن ارجحیت داشته باشد.

به طور کلی می‌توان گفت: از نظر فقهی، تحقیقات پزشکی از هر نوعی که باشد تا اندازه‌ای که خطر جانی و ضرر مهمی نداشته باشد و مستلزم عمل حرام نباشد با رضایت آزمودنی اشکالی ندارد و مباح است.

□ پژوهشگر

تحقیق هر محقق مانند سایر فعالیت دیگر وی تابع نظام کلی ارزشی اوست. ارزش‌های حاکم بر دیدگاه محقق در زمینه تحقیقاتش بر کلیه رفتارهای وی می‌تواند تاثیرگذار باشد. ابن خلدون جامعه‌شناس قرن هشتم می‌گوید: دانشمندان با انگیزه شهرت و کسب قدرت و منفعت، دوراندیشی و خویشتن‌داری و حس تشخیص خود را از دست می‌دهند.

اما پژوهشگر مسلمان با پیروی از معارف دینی می‌تواند عوارض فوق را از خود بزدايد و با باوری درست و روحی کمال جو به تحقیق بپردازد و بر حاکمیت ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی مهر تأیید بزند.

نکته‌ای که باید به آن توجه نمود آن است که پژوهشگر باید مانند هر انسان دیگری، فعالیت‌های خویش را جهت ببخشد و تعیین جهت نیز بدون در نظر داشتن هدف ممکن نیست. پس از تعیین هدف و جهت، وظیفه‌ی پژوهشگر آن است که برای رسیدن به هدف و در جهت مشخص‌شده، بهترین مسیر را انتخاب نماید. از سوی دیگر طبیعی است که پژوهشگر باید مانند هر انسان دیگری در تعیین «هدف» از شناخت کافی بهره‌مند باشد، زیرا انسان که حق انتخاب دارد هم می‌تواند جهتی که وی را به بهترین وجهی به هدف می‌رساند انتخاب کند و هم جهت‌های انحرافی را برگزیند.

پژوهشگری که به معارف الهی باور قلبی دارد در تمام تحقیقات وی، سایه این نگرش را می‌توان یافت. به عبارت دیگر پژوهشگر مسلمان علاوه بر رعایت حقوق و اصول کلی و بین‌المللی اخلاق در پژوهش باید آشنایی کامل به حقوق و اصول دینی و شرعی داشته باشد.

با توجه به اهمیت ویژگی‌های پژوهشگر و نقش آن در روند پژوهش است که در دین اسلام، ویژگی‌هایی برای فرد پژوهشگر شمرده شده است که به مهم‌ترین آن اشاره می‌گردد:

۱- داشتن آگاهی: طبیعی است که باید پژوهشگر نسبت به موضوع پژوهش از آگاهی لازم برخوردار باشد تا گرفتار اشتباهات بزرگی نگردد و از حقیقت دور نگردد. در واقع نباید به اسم علم ولی با جهل مرکب به پژوهشی دست بزند که عوارض آن نصیب آزمودنی گردد:

الامام صادق(ع): العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطريق فلا تزیده سرعة السیر من الطريق الا بعداً^{۲۹}

کسی که بدون بینش و آگاهی به کاری دست می‌زند مانند مسافری است که در بی‌راهه می‌رود او هر مقدار بر سرعت حرکت خود بیفزاید به همان نسبت از جاده دورتر می‌شود.

۲- پرهیز از روش و شیوه‌های حرام: در روایات متعدد و فراوان، از درمان با مواد حرام و هم چنین استفاده از روش‌های حرام نهی گردیده است. پژوهشگر مسلمان نیز باید ضمن آگاهی از موارد حرام در دین اسلام، از تمامی این موارد پرهیز نماید.

رسول الله (ص): لا شفاء فی حرام^{۳۰}

هیچ درمان و بهبودی در [مواد یا روش] حرام نیست.

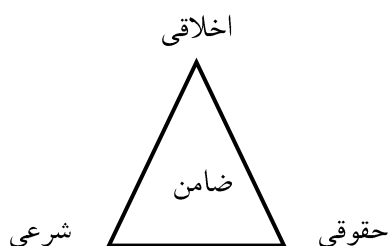
۳- پایبندی به احکام شرعی و توجه به حلال و حرام: طبیعی است که پژوهشگر در رشته‌های علوم پزشکی، کارشناس رشته تخصصی فقه نیست؛ بنابراین هیچ‌گاه نباید درباره احکام شرعی به اظهار نظر بپردازد بلکه باید در این زمینه پیرو کارشناسان تخصصی یعنی مراجع تقلید باشد و به عنوان یک مسلمان به احکام شرعی نگریسته و از آن‌ها پیروی نماید. علاوه بر این که باید بداند حکم الهی درباره‌ی حلال و حرام تغییرناپذیر است گر چه مصادیق این احکام ممکن است تغییرناپذیر باشد. البته این پایبندی به حکم کارشناسی فقها یک اصل عقلایی است که قرآن نیز به آن اشاره نموده است:

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{۳۱}

اگر نمی‌دانید از اهل دانش و اطلاع بپرسید.

۴- اجتناب از قصور (neglecty): پژوهشگر باید از تمامی موارد قصور مانند بی‌حوصلگی، عدم دقت و شتابزدگی خودداری ورزد. از تقصیر و سهل‌انگاری حرفه‌ای (*malpractis*) در تمامی موارد مانند بی‌اعتنایی به مقررات و شرایط محیط کار، اهمیت ندادن به مخاطرات و انجام آزمایش‌های نادرست نیز اجتناب ورزد.

برای پرهیز از قصور و تقصیر در پژوهش‌های پزشکی می‌توان به مهم‌ترین اصل در اسلام یعنی ضمانت اشاره نمود:



رسول الله (ص): من تطب و لم يكن بالطب معروفاً فاصاب نفساً فما دونها فهو ضامن^{۳۲}

پیامبر (ص) می‌فرماید: هر کس به طبابت بپردازد در حالی که نسبت به طب آشنا نیست و باعث آسیب جانی یا کمتر از آن باشد ضامن می‌باشد.

اسلام با مطرح نمودن موضوع ضمان در سه بعد اخلاقی، حقوقی و شرعی درصدد آن برآمده تا از هر گونه قصور و تقصیر در تحقیقات پزشکی پیش‌گیری نماید. طبیعی است که ممکن است پژوهشگر به دلایل منافع شخصی، موضوع وجدان اخلاقی را نادیده گیرد و با ظاهرسازی مناسب از ضمانت حقوقی نیز خود را نجات دهد، اما باید بداند که از ضمانت شرعی راه فراری ندارد. به عبارت دیگر، باید بداند که هر گونه آسیب‌رسانی به آزمودنی، توانی دارد که اگر در این دنیا جبران ننمایید در سرای جاودان بازخواست خواهد گردید.

۵- انگیزه مناسب: پژوهشگر مسلمان بر این باور است که بخش عمده‌ای از نیک و پسندیده بودن هر عملی به نیت و انگیزه فرد برمی‌گردد که قابل کشف بیرونی نیست و نمی‌توان با ابزارهای کمی، نیت و انگیزه را اندازه‌گیری نمود یا از درستی و نادرستی آن آگاهی یافت. بنابر این می‌توان طرح پژوهشی به ظاهر مناسب و با انگیزه به ظاهر مناسب ارایه نمود ولی هدف اصلی فرد، دستیابی به امری ناپسند و ناشایست باشد. یکی از تفاوت‌های پژوهشگر مسلمان با سایر افراد باید بر این مبنا استوار باشد که از انگیزه‌ی مناسب و بر اساس مصلحت و نه بر اساس منافع شخصی خویش به ارایه طرح‌های پژوهشی بپردازد. **امیر المومنین (ع): لو ان حملة العلم حملوه بحقه لاجههم الله و ملائکته و اهل طاعته من خلقه و لکنهم حملوه لطلب الدنيا فمقتهم الله و هانوا علی الناس^{۳۳}** امیر مومنان (ع) می‌فرماید: اگر حاملان علم و دانش آن را چنان که شایسته است حمل کنند، خدا و فرشتگان و مردمان فرمان‌بردار خداوند آنان را دوست خواهند داشت. ولی آنان علم را به خاطر دنیاطلبی به دست آوردند به همین جهت خدا بر ایشان خشمگین است و در نظر مردمان خوار و بی‌ارزش می‌گردند.

پژوهشگر مسلمان باید از هرگونه انگیزه منفی در طرح‌های پژوهشی پرهیز نماید:

رسول الله (ص): من تعلم العلم رياء و سمعاً یرید به الدنيا نزع الله برکته و ضیق علیه معیشته و وکله الله الی نفسه و من وکله الله الی نفسه فقد هلك^{۳۴} پیامبر (ص) می‌فرماید: هر کس دانش را به قصد ریاکاری و خودنمایی، شهرت و آوازه‌خواهی فرا گیرد و از آن فقط کسب دنیا را بخواهد خداوند برکتش را از او می‌گیرد و زندگی وی را برایش سخت می‌گرداند و او را به خودش واگذار می‌نماید و هر کس خداوند او را به خودش واگذار نماید هلاک و نابود می‌شود.

۶- امانت‌داری: در بسیاری از مراحل طرح‌های پژوهشی ممکن است بتوان با توجه‌هایی مانند سرعت بخشیدن به پیشرفت طرح بسیاری از قوانین و مقررات را زیر پا گذاشت. اما پژوهشگر مسلمان که خداوند را به عنوان ناظر اصلی پذیرفته است هیچ‌گاه وسوسه‌ی خیانت در امانت سپرده به خویش را در سر نمی‌پروراند و همیشه این آیه‌ی قرآن را در ذهن خویش به خاطر می‌سپارد:

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي^{۳۵}

آیا ندانسته که قطعاً خداوند [همه کارهایش را] می‌بیند؟!

۷- شفقت و دل‌سوزی: در علوم پزشکی جدید که در ۵-۶ قرن اخیر بر جهان سایه گسترانده است روند این‌گونه می‌باشد که بیماری یا *case* مهم‌تر از بیمار و شخصیت وی می‌باشد. معمولاً افراد را با نوع بیماری تقسیم‌بندی می‌نمایند. گاهی نیز این نکته را به ذهن دست‌اندرکاران پزشکی القا می‌نمایند که ترحم و دل‌سوزی در حرفه پزشکی باعث آسیب‌پذیری شاغلین می‌گردد، زیرا در طول روز و در مدت طولانی دوره خدمت نمی‌توان این روحیه را داشت و آسیب ندید. اما پزشک و پژوهشگر مسلمان هیچ‌گاه نمی‌تواند جنبه‌ی بیماری را از شخصیت خود بیمار جدا در نظر بگیرد و همیشه در درجه اول انسان بودن بیمار برای او مهم می‌باشد. بنابراین هیچ‌گاه نمی‌تواند رابطه‌ی خودش را با آزمودنی‌ها از جنبه عاطفی جدا سازد و سعی

می‌کند که نسبت به آزمودنی‌ها در درجه اول با نگرش انسانی، با دل‌سوزی بنگرد و هدف اصلی، پیش بردن طرح تحقیقاتی خودش نباشد.

امیر مومن (ع) می‌فرماید: هر کس به طبابت می‌پردازد باید پروای الهی پیشه کند و [نسبت به بیماران] دل‌سوز باشد و [در امر یادگیری و پیش‌رفت پزشکی] تلاش نماید.^{۳۶}

امیر المومنین (ع): رأس العلم الرفق و آفته الخرق^{۳۷}

امیر مومن (ع) می‌فرماید: سرچشمه دانش، نرم‌خویی و آسیب آن، تندخویی است.

۸- احترام به آرا پژوهشگران دیگر: پذیرش صادقانه تجربه‌های دیگران و استفاده از نظرات و آرا یک‌دیگر، راز شکوفایی تحقیقات و علم است و عدم رعایت این ارزش اصیل، صدمات جبران‌ناپذیر به حقیقت علم و تحقیق وارد می‌سازد. بنابراین نیاز به تبادل آرا تحقیقاتی در حال رقابت کاذب با یک‌دیگر هستند.

پیامبر (ص) فرمود: داناترین مردم کسی است که علم و دانش مردم را به علم و دانش خود می‌افزاید.^{۳۸}

شاید عدم احترام به دیدگاه و آرای سایر پژوهشگران ناشی از حس غرور یا حسادت باشد که هر دو صفت در اسلام محکوم گردیده‌اند:

رسول الله (ص): تناصحو فی العلم و لا یکتّم بعضکم بعضاً فان الخیانه فی العلم اشد من الخیانه فی المال^{۳۹}

پیامبر (ص) می‌فرماید: در علم نسبت به یک‌دیگر دل‌سوز باشید و آن را از یک‌دیگر مخفی نسازید، زیرا خیانت در علم بدتر از خیانت در مال است.

۹- توجه داشتن به حقیقت: امروزه موضوع سونگری در طرح‌های پژوهشی به عنوان یک آفت بزرگ شناخته شده است. پژوهشگر باید بدون در نظر گرفتن منافع خویش، به دنبال کشف واقعیت و حقیقت باشد و هرگز نباید روند طرح پژوهشی را بر اساس اهداف دلخواه خویش هدایت کند تا به نتایجی که در ذهن خود می‌پروراند، برسد.

امیر المومنین (ع): نکد العلم الکذب^{۴۰}

امیر مومن (ع) می‌فرماید: بدبختی دانش، دروغ‌گویی است.

امیر المومنین (ع): شین العلم الصلف^{۴۱}

امیر مومن می‌فرماید: زشتی دانش گزافه‌گویی است.

فرق این دو واژه در آن است که گاهی هیچ حقیقت و واقعیتی وجود ندارد و پژوهشگر ترشحات ذهنی و موضوعات مورد علاقه خویش را به عنوان نتایج و یافته‌ها گزارش می‌نماید که مصداق دروغ‌گویی است. گاهی نیز رگه‌هایی از واقعیت در پژوهش وجود دارد ولی پژوهشگر بر اساس منافع خویش به کوچک یا بزرگ‌نمایی آن واقعیت می‌پردازد تا باز به نتایج دلخواه خویش دست یابد.

۱۰- تعهدپذیری: نکته پایانی آن است که پژوهشگر مسلمان هر گونه قول و قراری را که به صورت شفاهی یا کتبی (رضایت‌نامه) با آزمودنی مطرح نموده است به عنوان تعهد بر خود لازم و ضروری می‌داند و هیچ‌گاه به دنبال فرار از مسوولیت پذیرفته‌شده نمی‌باشد. وی این تعهد را فراتر از یک تعهد حقوقی می‌داند و آن را به عنوان یک تعهد شرعی می‌پذیرد.

الامام الصادق (ع): المسلمون عند شروطهم الا کل شرط خالف کتاب الله عز و جل فلا یجوز^{۴۲}

امام صادق (ع) می‌فرماید: مسلمانان در مقابل شرطی که کرده‌اند متعهد هستند مگر شرطی که مخالف کتاب خداوند عز و جل باشد که چنین شرط‌هایی جایز نیست.

□ **آزمودنی**

حیوان

سابقه تاریخی تحقیق بر روی حیوان به قبل از میلاد بر می‌گردد که در یافته‌ها و پیشرفت‌های مهم پزشکی نقش موثری داشته است. اما از قرن ۱۹ به بعد، قوانین خاصی برای حمایت از حیوان تصویب گردیده است. در اسلام نیز تاکید فراوانی بر مراقبت حیوان و رعایت حقوق آن وجود دارد که برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱- مثله نکردن حیوانات

۲- عقیم نکردن حیوانات

۳- نگذاشتن داغ و نشان بر حیوان

۴- استراحت دادن حیوان

۵- دادن علف و غذای کافی

۶- ضربه نزدن بر صورت و چهره حیوان

نهی رسول الله (ص) ان یقتل شیء من الدواب صبرا^{۴۳}

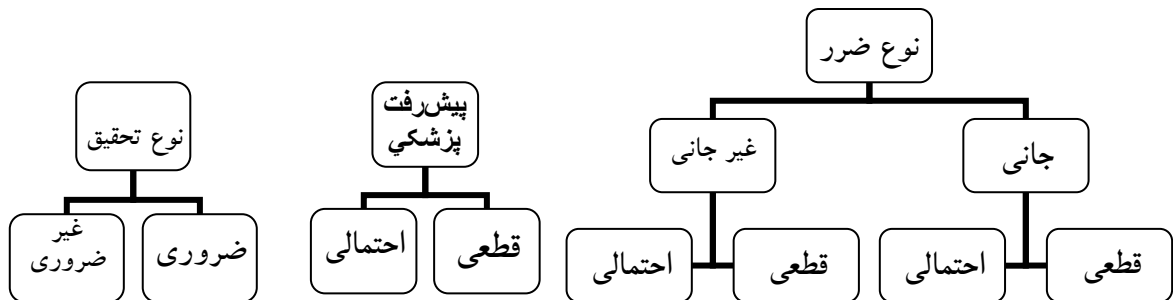
پیامبر(ص) نهی نمودند از این که هر نوع جنبنده‌ای را در بند کشند و با چیزی بزنند و بکشند.

اما هنگامی که مصلحت بالاتری که کمک به حیات و سلامت انسان می‌باشد مطرح گردد می‌توان گفت شارع، اذن بهره‌برداری از حیوانات را به انسان داده است و از نظر فقهی، انجام آزمایش‌های پزشکی و دارویی بر روی حیوانات جایز است به شرط آن که موجب اذیت و شکنجه بی‌دلیل آن‌ها نشود.

از سوی دیگر، حیوانات نجس‌العین مانند سگ یا خوک که در تحقیقات مورد استفاده قرار می‌گیرند باید تمامی ضوابط شرعی از نظر نجاست آنان رعایت گردد.

انسان

برای حضور انسان در تحقیقات پزشکی می‌توان فروعات ذیل را در نظر گرفت.



۱- ضرر جانی قطعی + پیشرفت قطعی پزشکی + تحقیق ضروری

اگر آزمودنی یقین داشته باشد که چنانچه خود را در معرض تحقیقی قرار دهد به استقبال خطرات جانی برای خود رفته است ولی از طرفی به پیشرفت علم پزشکی و به معالجه و مداوای جامعه مسلمانان در آینده کمک نموده است و چنین تحقیقی نیز ضروری است. آیا خود را در معرض چنین تحقیقی قرار دادن جایز است؟ در این فرع، دو دیدگاه مطرح گردیده است:

الف - حق انسان بر خود آن است که خود را از هر خطر و ضرر مادی و معنوی احتمالی حفظ کند به همین جهت اضرار به نفس حرام است حال که خطر جانی قطعی است شرکت در تحقیق جایز نمی‌باشد و صرف پیشرفت علم پزشکی نمی‌تواند مجوزی برای از بین بردن جان فرد باشد.

ب - اگر هیچ یک از اغراض و انگیزه‌های شخصی که در خودکشی مطرح است در کار نباشد بلکه فقط به خاطر ایثار و پیشرفت علم پزشکی مسلمانان و معالجه آنان باشد اشکالی ندارد که در تحقیق شرکت کند. زیرا شرکت وی از مقوله ایثار است نه اضرار به سه شرط:

۱- انحصار طریق و راه، یعنی راه دیگری غیر از این شیوه برای تحقیق وجود نداشته باشد.

۲- باعث حرج و مشقت و ضرر برای افراد وابسته به وی نشود. اگر باعث حرج و مشقت اطرافیان گردد نه تنها جایز نیست بلکه حرام است.

۳- امکان استفاده از کفار در تحقیق وجود نداشته باشد.

۲- ضرر جانی قطعی + پیشرفت قطعی پزشکی + تحقیق غیر ضروری

در این فرع بنا بر دو دیدگاه قطعاً، شرکت در تحقیق حرام می‌باشد چون حفظ نفس واجب است.

۳- ضرر جانی قطعی + پیشرفت احتمالی پزشکی + تحقیق ضروری

شرکت فرد در این تحقیق نیز اشکال دارد و ادله حفظ حیات و نفس مانع از حضور وی در تحقیق می‌باشد و آن را حرام می‌داند.

۴- ضرر جانی قطعی + پیشرفت احتمالی پزشکی + تحقیق غیر ضروری

حکم این فرع نیز طبق فرم شماره ۳ است بلکه اولویت عدم شرکت در این فرع بیشتر است زیرا نه پیشرفت پزشکی قطعی است و نه ضرورتی در انجام تحقیق می‌باشد.

۵- ضرر جانی احتمالی + پیشرفت قطعی پزشکی + تحقیق ضروری

در این مورد نیز همان دو دیدگاه فرع اول مطرح می‌باشد.

۶- ضرر جانی احتمالی + پیشرفت قطعی پزشکی + تحقیق غیر ضروری

در این مورد نیز همان دو دیدگاه فرع اول مطرح می‌باشد.

۶- **ضرر جانی احتمالی + پیشرفت قطعی پزشکی + تحقیق غیر ضروری**
حکم آن مانند فرع دوم است.

۷- **ضرر جانی احتمالی + پیشرفت احتمالی پزشکی + تحقیق ضروری**
حکم آن، مانند فرع سوم است.

۸- **ضرر جانی احتمالی + پیشرفت احتمالی پزشکی + تحقیق غیر ضروری**
حکم آن، مانند فرع چهارم است.

۹- **ضرر جانی قطعی + پیشرفت قطعی پزشکی + تحقیق ضروری**

در مورد ضرر و زیان این اختلاف نظر وجود دارد که آیا اولاً: باید زیان فوراً ظاهر شود تا مشمول قاعده لاضرر شود یا زیان تدریجی و دراز مدت نیز مشمول تحریم می‌شود؟

ثانیاً: این که میزان زیان و ضرر چه مقدار باید باشد آیا زیان‌های جزئی و کم اهمیت نیز مشمول حکم قاعده است یا نه؟

ثالثاً: احتمال ضرر باشد یا ضرر قطعی؟

برخی به اطلاق آیه «لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه» و قاعده لاضرر تمسک می‌جویند که پرهیز از هر کار زیان‌بخش ضروری است خواه ضرر فوری یا با تاخیر باشد، ضرر اندک یا زیاد باشد. اما برخی دیگر، ضرر قطعی، فوری و شدید را ملاک قرار می‌دهند که از نظر عقلاً این نوع به عنوان ضرر محسوب می‌گردد که این اختلاف مبنا در فروعات بعدی منشا اثر خواهد بود. اما در فرع فوق، همان اختلاف و دو دیدگاه فرع اول وجود دارد:

الف - عدم جواز

ب - جواز مشروط به همان سه شرط که در فرع اول ذکر شد.

۱۰- **ضرر غیرجانی قطع + پیشرفت احتمالی پزشکی + تحقیق غیر ضروری**

بنابر دو دیدگاه، قطعاً شرکت در تحقیق جایز نمی‌باشد چون ضرر آن قطعی است و تحقیق نیز ضرورت ندارد.

۱۱- **ضرر غیرجانی قطعی + پیشرفت احتمالی پزشکی + تحقیق ضروری**

حکم این نیز عدم جواز می‌باشد.

۱۲- **ضرر غیرجانی قطعی + پیشرفت احتمالی پزشکی + تحقیق غیر ضروری**

حکم آن نیز عدم جواز می‌باشد.

۱۳- **ضرر غیرجانی احتمالی + پیشرفت قطعی پزشکی + تحقیق ضروری**

بنابر دو دیدگاه می‌توان حکم به جواز کرد.

۱۴- **ضرر غیرجانی احتمالی + پیشرفت قطعی پزشکی + تحقیق ضروری**

اگر احتمال ضرر عقلایی نباشد (میزان و امکان بروز آن بالا نباشد) می‌توان حکم به جواز نمود.

۱۵- **ضرر غیرجانی احتمالی + پیشرفت احتمالی پزشکی + تحقیق ضروری**

حکم این فرع نیز جواز است.

۱۶- **ضرر جانی احتمالی + پیشرفت احتمالی پزشکی + تحقیق غیر ضروری**

حکم آن همان حکم فرع ۱۴ است.

پی نوشتها

- ۱- بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۰
- ۲- تحفالعقول، ص ۲۰۸
- ۳- تحفالعقول، ص ۲۸۶
- ۴- اخلاق زیستی از دیدگاه آسیایی، ص ۳ - ۲
- ۵- سوره نساء، آیه ۳۰ - ۲۹
- ۶- سوره مائده، آیه ۳۲
- ۷- سوره بقره، آیه ۱۹۵
- ۸- کافی، ج ۵، ص ۱۵۳، ح ۱۵
- ۹- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۶۸، ح ۲
- ۱۰- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۷۰، ح ۱
- ۱۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۷۲، ح ۱۹
- ۱۲- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۲۵، ح ۹۶۶
- ۱۳- بحارالانوار، ج ۷، ص ۷۱، ح ۱۴
- ۱۴- سوره مومنون، آیه ۸، سوره معارج، آیه ۳۲
- ۱۵- سوره حجرات، آیه ۱۳
- ۱۶- تحفالعقول، ص ۱۲۶
- ۱۷- سوره توبه، آیه ۱۱۹
- ۱۸- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۲۲، ح ۱۴۸۶
- ۱۹- اعلام الدین، ص ۳۰۵
- ۲۰- سوره اسراء، آیه ۷۰
- ۲۱- سوره ملک، آیه ۲۰
- ۲۲- سوره ابراهیم، آیه ۳۳ - ۳۲
- ۲۳- سوره لقمان، آیه ۲۰
- ۲۳- سوره بقره، آیه ۳۱
- ۲۵- سوره حجر، آیه ۲۹، سوره ص، آیه ۷۲
- ۲۶- سوره بقره، آیه ۱۷۹
- ۲۷- سوره بقره، آیه ۱۹۵
- ۲۸- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴، ح ۵۷۲۰
- ۲۹- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۰۱، ح ۵۸۶۲
- ۳۰- مستدرک الوسایل، ج ۱۶، ص ۴۳۸، ح ۲۰۴۸
- ۳۱- سوره نحل، آیه ۲۳
- ۳۲- الشفاء فی الطب، ص ۵۵
- ۳۳- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۸
- ۳۴- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۲
- ۳۵- سوره علق، آیه ۱۲
- ۳۶- بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۷۲
- ۳۷- نهج السعاده، ج ۱، ص ۲۷۷
- ۳۸- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۴، ح ۵۸۴۳

-
- ٣٩- نهج الفصاحه، ح ١٧٨
٤٠- غررالحكم، ص ٢٦٥، ح ٤٣٨٢
٤١- غررالحكم، ص ٢١٥، ح ٤٢٠٤
٤٢- من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٢٠٢، ح ٣٧٦٥
٤٣- مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ١٦٠، ح ١٩٤٦٦